طلیعه

«کردی ای عطار بر عالم نثار نافه مشک هر زمانی صد هزار

از تو پر عطر است آفاق جهان‏ وز تو در شورند عشاق جهان»

ادبیات عارفانه،هماره با رازوارگی قرین و همراه بوده است.درک مفاهیم،تعابیر،اصطلاحات و مضامین شعر و نثر ادب‏ عرفانی که با نمادها،تمثیل‏ها و سمبل‏های خاص عجین شده هیچ گاه به سادگی ممکن نبوده است.هر زود آشنایی که در میدان جاذبه این نوع ادبیات قرار می‏گرفته مدتها در چند و چون کشف راز و رمز آن غور و فحص داشته است تا به فراخور حال،واقف به بخشی از اسرار شود.شروح متفاوت و متنوع بر آثار عرفانی بزرگ،وجود فرهنگهای مختلف،تفسیر ترکیبات‏ و کنایات و تداوم بحث و محاجه صاحبنظران پیرامون چگونگی درک سخنان عرفا به دلیل همین پیچیدگی نهفته در این‏ نوع ادب عرفانی است.میزان و نحوه راز آلودگی آثار عرفا البته متفاوت است.در نگاهی کلی به آثار ارکان ادب عارفانه: سنایی،عطار نیشابوری،حافظ و مولوی زبان عطار ساده‏تر می‏نماید.اما در برخی نمونه‏ها این سادگی-که در وهله نخست‏ در آثار عطار به چشم می‏آید-در بررسی عمیق‏تر،شولایی از ابهام و سؤال در ذهن آدمی پدید می‏آورد که گاه بیتی از آن‏ محتاج بحث‏ها و گفتگوهای بسیار می‏شود.

با این وصف،این سؤال پرسیدنی است که آیا اقتضای ادبیات عارفانه هنجارشکنی و گریز از ساده‏گویی و ساده‏نویسی‏ بوده است؟یا محدودیتهای سیاسی اجتماعی عصر باعث شده حقایق در لفافه‏ای از حریر پیچیده شود؟آیا عرفا خود، مخاطب ویژه‏ای خواسته‏اند تا در مجلس انسی سخن بگویند و یا غنا و عمق مباحث عرفانی چنین مظروفی را می‏طلبیده‏ است؟

شاید نتوان پاسخ صریحی برای این سؤالات ارائه کرد،اما آنچه روشن است اینکه در آثار عطار همه این موارد تقریبا قرین‏ به واقعیت است،لکن عطار پیش از آنکه بخواهد عقاید و خواسته‏هایش را در پس پرده ابهام بیان کند شگردهای ویژه‏ای را به‏ کار می‏گیرد.استفاده از شخصیت دیوانگان در آثار عطار،صرف نظر از جنبه داستانی آن-که انتخابی زیرکانه و حقیقت‏ نماست-به نویسنده امکان می‏دهد که در بستری مناسب گام بردارد.ایجاد این زمینه به طور توامان چند منظور اصلی‏ عارف قرن ششم و هفتم هجری را برآورده می‏سازد.عطار ضمن دوری از تعقید لفظ و دشواری‏های کلامی آنچه را در ذهن و روان دارد از زبان شخصیتی می‏گوید که شهره عام و خاص است.این همه هنگامی به اوج تعالی خود نزدیک می‏شود که بال‏ و پر اندیشه و خیال شاعر نیز همپا و همراه«بی‏ریایی»و«صداقت»می‏پویند و بالنده می‏شوند.مردم عاشق و شیفته‏ صداقتند و آنچه بیش از همه در نهاد دیوانگان مشهود است«صداقت»و«سادگی»است.شکسپیر گفته است:«دیوانه، شاعر و کودک همه مانند هم اهل تخیلند»و عطار عطر فرّار این سه را با هم و در کنار هم تعبیر و تصویر می‏کند.

از نگاهی دیگر می‏توان انگیزه عطار در بهره‏بری از شخصیت دیوانگان را با تجربه‏ای که او از سرنوشت عرفای قبل از خود داشته است،مرتبط دانست:

«زانکه گر تو عاقل آیی سوی من‏ زخم بسیاری خوری در کوی من

لیک اگر دیوانه آیی در شمار هیچ کس را با تو نبود هیچ کار»

در واقع او با خطراتی که در عصر خود با آنها رو به رو بوده،ضمن اجتناب از ایجاد حساسیتهای موجود به مبارزه قهرآمیز خود صورت جدیدی بخشیده است.

در بسیاری از حکایات و روایات،عطار از زبان دیوانگان مقابله و مجاهده می‏کند و ظالمان و زورگویان را به سخره و ریشخند می‏گیرد:

«ناگهی بهلول را خشکی بخاست‏ رفت پیش شاه و از وی دنبه خواست

آزمایش کرد آن شاهش مگر تا شناسد هیچ باز از یکدگر

گفت شلغم پاره باید کرد خرد پاره کرد آن خادمیش و پیش برد

اندکی چون نان و آن شلغم بخورد بر زمین افکند و لختی غم بخورد

شاه را گفتی که تا گشتی تو شاه‏ چربی از دنبه برفت این جایگاه

بی‏حلاوت شد طعام از قهر تو می‏بباید شد برون از شهر تو»

افزون بر این،زهد و عزلت مشهود در آثار عطار که مدام دعوت به فرا رفتن از خویش است و به خدا خواندن و جز او نیندیشیدن،به مبارزه‏ای جدی ماننده است که ظلم و تعدی را بر نمی‏تابد و با گوشه‏گیری صوفیانه به شدت ناسازگار است:

«گه پیشرو نبرد می‏باید بود گه پیرو اهل درد می‏باید بود

این قصه به سرسری به سر می‏نشنود کاری است عظیم،مرد می‏باید بود»

عطار توانسته است میان فردیت صوفیانه و تعهد اجتماعی الفتی عمیق ایجاد کند و این نکته احتمال هر گونه تک بعدی‏ نگری را نفی می‏کند.

جهان فکری عطار چنان وسیع و پردامنه است که لفظ و وزن در برابر عمق مفاهیم و سخنان حکیمانه بی‏تاب و کم‏مایه‏ می‏نمایند.او آنگاه که دربارهء ناپایداری دنیا سخن می‏گوید بیش و پیش از همه به«شعور»واقف است نه شعر و شاعری.در حقیقت مرکز توجه عطار،انسان و جهان و خداوند است و تمام دغدغهء او تبیین ارتباط این سه با هم و ارائه تصویری روشن از این مقولات است.در نظر عطار شعر و شاعری«فرع»و«ظرف»است و آنچه اصل و اساس است،انسان است و نوع نگاه او به‏ جهان و خداوند.

\*«دریای جان»اثر هلموت ریتر که اکنون دو فصل آن پیش روی شماست از جمله آثار برجسته‏ای است که می‏کوشد برگی‏ از جهان مستور اندیشه عطار برگیرد.شیوهء ریتر در ارزیابی آثار عطار جالب و قابل درنگ است.این دانشمند سخت کوش‏ آلمانی ضمن معرفی آثار متفاوت عطار به تقسیم‏بندی موضوعی حکایات و قصص و تمثیلات پرداخته است و آنگاه با تأکید بر نگرش ویژه عطار نسبت به خدا،انسان و جهان به ریشه‏یابی مفاهیم اساسی اندیشه عطار اهتمام ورزیده است.این‏ پژوهش به غایت دقیق و محققانه است و به جرأت می‏توان آن را با شرح و تفسیر نیکلسون بر مثنوی مقایسه کرد و در یک‏ تراز قرار داد.اما علی رغم شهرت علمی او در محافل دانشگاهی،هنوز چندان که بایست شناخته شده نیست.مناسب‏ است شرح حال مختصری از او در اینجا ذکر شود.

هلموت ریتر در روز بیست و هفتم فوریه سال 1892 میلادی در«لسثیتناو»از توابع«هسن»واقع در کشور آلمان به دنیا آمد.پس از اتمام دورهء دبیرستان که زبانهای لاتین و یونانی را نیز شامل می‏شد،از«کاسل»برای تحصیلات عالی به شهر «هله»واقع در مسیر رود«زاله»عزیمت کرد.آنجا قریب سه سال به تحصیل خاورشناسی نزد کارل بروکلمن و پاول کاله‏ مشغول بود.پس از آن به اشتراسبورگ نزد تئودور نولد که،لندآور و فرانک رفت و در این فاصله از دروس الهیات و متن‏شناسی زبانهای لاتین و یونانی نیز بهره گرفت.سال 1913 به عنوان پژوهشگر در مؤسسه تاریخ و تمدن مشرق زمین‏ در هامبورگ آغاز به کار کرد و در سال 1914 در سن 22 سالگی امتحان شفاهی دورهء دکتری را در دانشگاه بن پشت سر نهاد.آنگاه جنگ جهانی اول او را به خدمت سربازی فرا خواند و روانه استانبول شد.در هنگام سربازی به عنوان مترجم یکی‏ از فرماندهان ارتش آلمان به عراق و فلسطین عزیمت کرد.پس از رهایی از جنگ به سال 1919 هنگامی که 26 سال بیشتر نداشت بدون ارائه رساله تخصصی به کرسی استادی شرق‏شناسی دانشگاه هامبورگ فرا خوانده شد.در سال 1927 او را به ریاست انجمن آلمانی تحقیقات مشرق زمین شعبه استانبول برگزیدند و در سال 1936 ابتدا به سمت دانشیاری و دو سال بعد به استادی زبانهای عربی و فارسی دانشگاه استانبول ارتقاء یافت.در طول جنگ جهانی دوم تا سال 1949 ترکیه‏ را ترک نکرد.در این سال رتبهء استادی موقت و در سال 1953 استادی تمام وقت کرسی شرق‏شناسی دانشگاه فرانکفورت‏ را احراز نمود.در سال 1969 زمانی که دیگر نحیف و رنجور بود برای همیشه به آلمان بازگشت،اما از پای ننشست و با شور و حرارت فراوان تحقیقات علمی خود را ادامه داد.ریتر در روز نوزدهم ماه مه سال 1971 در سن هشتاد سالگی چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت.

هلموت ریتر درباره اثر خود«دریای جان»می‏گوید:«یک چیزی را خوب می‏دانم و آن اینکه می‏توانم در شخصیت دیگران‏ حلول کنم».به زعم فریتس مایر دانشمند بنام معاصر سوئیسی-که خود از شاگردان ریتر است-«هر آشنایی اعتراف دارد که ریتر در موضوعات مختلف خود حلول کرده بود و آن را از فاصله دور و از دید یک اروپایی توصیف نمی‏کرد.او در این‏ کتاب همه بخش‏ها را با تفصیل و ریزه‏کاری متناسب تصویر کرده است،اما نکات بخصوصی از شیرهء جان برخوردارند.

«دریای جان»اثری است پیشرو و به ارزش یک دایرة المعارف.اثری که هم عرفان اسلامی و هم شعر عرفانی فارسی را به‏ نحو بی‏نظیری تفسیر می‏کند.اثری که قابل تصور نیست روزی کهنه شود».

از دیگر آثار این محقق توانمند می‏توان به:منتخب آثار امام محمد غزالی تحت عنوان«کیمیای سعادت»،«زبان تشبیه در شعر نظامی»،و نیز تصحیح و ترجمه متون زیر اشاره کرد:تصحیح«الهی نامه»عطار«الاسلامیین»اشعری،«فرق الشیعه» نوبختی،«غایة الحکم»مجریطی،«هفت پیکر»نظامی،«الهی نامه»عطار،«سوانح»احمد غزالی،و...

\*از همان زمان که فکر برگزاری کنگره جهانی عطار نیشابوری مطرح شد،بر آن بودم تا کتاب«دریای جان»به گونه‏ای‏ شایسته ترجمه و منتشر شود.پیشتر برخی مقالات این کتاب توسط استاد گرانمایه دکتر زریاب خویی ترجمه شده بود و علاقه‏مندان زیادی مایل بودند تا روزی شاهد انتشار تمام کتاب باشند.هنگامی که پیشنهاد«کیهان فرهنگی»مبنی بر برگزاری کنگره جهانی عطار نیشابوری در سال 1372 مورد موافقت آقای دکتر علی لاریجانی قرار گرفت،مقدمات ترجمه‏ این کتاب فراهم آمد.در فروردین ماه سال 1373 از دکتر زریاب خواسته شد ترجمه این کار سترگ را خود به عهده گیرند.

در خلال این مدت استاد زریاب با پشتکار و تلاشی ستودنی به ترجمه و ویرایش متن‏ها پرداختند.در ترجمه متن‏ همچنان که ملاحظه خواهید کرد،کمال دقت و ظرافت به عمل آمده است.استاد زریاب قرار بود فصول پایانی و فهرست‏ اعلام را نیز ترجمه کنند اما اجل مهلت نداد و در یک روز زمستانی مردی دیگر از اقلیم علم و حکمت به دیار حق شتافت.با عنایت به انتشار جلد اول کتاب دریای جان توسط انتشارات بین المللی الهدی-تا فصل بیست و سوم-اکنون دو فصل‏ بیست و چهارم و بیست و پنجم پیش روی شماست.با این وصف فصول پایانی کتاب-تا فصل سی‏ام-در مجلد دیگری‏ منتشر خواهد شد.با سپاس از مساعدت دبیرخانه کنگره جهانی عطار نیشابوری در تجدید چاپ کیهان فرهنگی-که به‏ سرعت نایاب شده بود-این ویژه‏نامه از نظرتان می‏گذرد.